

تبعیض روا در آموزش عالی ایران با تأکید بر سهمیهای خاص

محمدحسین زارعی،* حمزه محمدی**

تاریخ پذیرش ۱۳۹۲/۵/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۱۱/۱۸

قاعده کلی حاکم بر نظام‌های حقوقی اکثر کشورهای جهان، حمایت یکسان از مردم در برابر قوانین و برخورداری از حقوق و تکالیف است. در نظام آموزش عالی ایران نیز این قاعده برقرار است، اما با وجود تبعیض در نظام آموزشی ایران مانند عدم توزیع متناسب امکانات آموزشی، دولت به مقابله با این تبعیض‌ها برآمده و تلاش می‌کند با توسل به نظام سهمیه‌ها آثار تبعیض را کم‌رنگ کند و درصدد رفع آن برآید. تبعیض روا روشی است که دولت با توسل به آن در زمینه حق بر آموزش عالی می‌تواند به این هدف نائل آید. اما در این باره دو سؤال مطرح می‌شود: اولاً، آیا در نظام آموزش عالی ایران می‌توان قائل به تبعیض روا بود یا خیر؟ ثانیاً، آیا تمام اقدامات به‌عمل آمده را می‌توان ذیل عنوان تبعیض روا تبیین کرد؟ در این مقاله تلاش شده است تا با تبیین مفاهیم تبعیض روا، اصول و روش‌های به‌کار رفته در اعمال تبعیض روا در نظام آموزش عالی ایران مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: برابری؛ عدالت اجتماعی؛ تبعیض روا؛ اقدام مثبت؛ حق آموزش

Email: Mozareil@gmail.com

* استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی؛

** دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران پردیس فارابی (نویسنده مسئول)؛

Email: mohammadi.hae@gmail.com

مقدمه

«تبعیض روا» (تبعیض مثبت) یا تفاوت حقوقی متفاوت در رفتار (گرجی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۹۳) به مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، اشکال اجرایی و عملی اطلاق می‌شود که در دوره‌های خاص به کار گرفته می‌شوند، تا یک گروه اجتماعی، اقلیت سیاسی، دینی، جنسیتی، بومی و ... را از موقعیت نامطلوب در تناسب با کل جامعه خارج کند و با پیش‌بینی سازوکارهایی وضعیت این گروه را نسبت به جامعه ارتقا و بهبود بخشد (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). به عبارت دیگر، تبعیض روا، گام‌های مثبتی است برای افزایش نمایندگان گروه‌هایی مانند زنان و اقلیت‌ها در حوزه‌هایی از قبیل استخدام، آموزش و تجارت که به‌طور تاریخی از آن محروم بوده‌اند (Arnold, 1998: 133). این گام‌ها شامل اقدامات انتخابی و انتخاب بر مبنای نژاد، محرومیت، جنسیت یا قومیت می‌تواند باشد (Bergmann, 1996: 254) ریشه اصطلاح اقدام مثبت، برگرفته از دستور اجرایی ۱۰۹۲۵ مورخ ۶ مارس ۱۹۶۱ جان اف کندی رئیس جمهور اسبق آمریکا است (Thomas, 1975: 32) که در کشورها به اسامی متعددی از قبیل تبعیض مغایر در هند، تبعیض مثبت در انگلیس و برابری استخدام در کانادا شناخته می‌شود (Sterba, 2003: 85).

بدیهی است تبعیض روا یا اقدام مثبت فقط در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابلیت اجرا دارد و درباره حقوق مدنی و سیاسی قابل اجرا نیست. هرچند در گذشته این حقوق، از تعدادی از شهروندان سلب شده باشد، چون حقوق مدنی و سیاسی جزء حقوق اولیه هر فرد بوده و سلب آن، عملاً به مفهوم نفی کرامت انسانی است (Sturm and Lani, 1996: 986).

حق بر آموزش یکی از مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این حق در آموزش عالی از فرصت‌هایی است که دولت‌ها، توان ارائه آن را به تناسب تقاضاها نداشته و به‌ناچار متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (دولتی)، باید در رقابت با یکدیگر، شانس ورود به این قبیل مؤسسات را به‌دست بیاورند. با اینکه دولت‌ها وظیفه دارند امکانات و تسهیلات لازم برای آموزش شهروندان را فراهم آورند، اما رقابت برای ورود به دانشگاه‌ها یا تحصیل در دانشگاه‌های بهتر همیشه وجود دارد. رقابت، زمانی

مفهوم خود را از دست می‌دهد که هیچ دانشگاهی وجود نداشته باشد، یا به عبارتی هیچ فرصتی برای رقابت وجود نداشته باشد یا اینکه متقاضی، حداقل امتیازات لازم برای ورود به دانشگاه را کسب نکرده باشد (Dowrkin, 1982: 225). واضح است دانش‌آموزانی که در دوران دبیرستان از امکانات آموزشی مناسب بهره‌مند بوده و در شرایط مطلوبی تحصیل کرده باشند، شانس بهتری برای ورود به این قبیل مؤسسات و دانشگاه‌ها را دارند. به‌طور قطع دولت باید برای برقراری عدالت و برابری با پیش‌بینی سازوکارهایی درصدد جبران قصور خود، در عدم توانایی توزیع برابر و متناسب امکانات آموزشی برآید و این نقصان را به‌نحوی جبران کند. البته دلایل ناتوانی دولت در ارائه فرصت‌های برابر آموزشی نیز مدنظر است و چنانچه این عدم توانایی ناشی از محرومیت تاریخی باشد و دولت‌ها تمام تلاش خود را در راستای رفع این محرومیت‌ها انجام داده باشند؛ می‌توان به تبعیض روا قائل بود. چنانچه این ناتوانی‌ها به‌دلیل شکست برنامه‌ها یا سیاست‌های دولت باشد؛ به‌طور قطع از ابزار تبعیض روا برای پوشش ناکارآمدی دولت نمی‌توان استفاده کرد.

در این‌باره دو سؤال اساسی وجود دارد. ۱. آیا در نظام آموزشی ایران در زمینه حق بر آموزش عالی می‌توان قائل به تبعیض روا بود یا خیر؟ ۲. آیا تمام اقدامات به‌عمل آمده را می‌توان ذیل عنوان تبعیض روا تبیین کرد؟ بنابراین هدف مقاله حاضر این است که با تبیین سهمیه‌های موجود در نظام آموزش عالی مانند سهمیه کنکور، نظام حقوقی فعلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این مقاله ابتدا مفاهیم برابری، تبعیض، تبعیض روا، اقدام مثبت و عدالت اجتماعی، بررسی می‌شود. سپس حق بر آموزش در نظام حقوق داخلی و تبعیض روا در آموزش عالی واکاوی شده و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱ مفهوم برابری

برابری از الهام‌بخش‌ترین واژه‌های تاریخ بشری و بی‌گمان در کنار عدالت، یکی از آرمان‌های دیرین انسان بوده است (Edwards, 1987: 6). البته باید گفت؛ برابری

مفهومی جدال‌برانگیز است که عده‌ای آن را می‌ستایند و عده‌ای آن را فاقد ارزش می‌دانند (Dowrkin, 2000: 2). از واژه برابری تفسیرهای گوناگون و تعاریف مختلفی شده است، که یکی از آنها به این شرح است: «تمام مردم از امکانات مساوی استفاده کنند، یعنی از نظر حقوق با یکدیگر برابر باشند. اعم از سیاه و سفید و ثروتمند و فقیر مشمول یک قانون باشند و امتیازی جز نیروی درک، فهم، لیاقت و دانش در میان نباشد» (آقابخشی، ۱۳۸۶: ۳۶). البته مفهوم نزدیک‌تر را می‌توان در تعریف ارسطویی از برابری نیز دنبال کرد. بر مبنای این تعریف، با برابرها در شرایط برابر، بایستی رفتار برابر داشت (سیدفاطمی، ۱۳۸۰: ۲۴۰). برابری از ملزومات اساسی و ثابت نظام‌های سیاسی دمکراتیک می‌دانند، به‌ویژه برابری منصفانه فرصت در آموزش و تربیت، که همه گروه‌های جامعه نمی‌توانند در بحث‌ها و گفت‌وگوهای مربوط به موضوعات عمومی شرکت کنند یا در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی سهمیم باشند (راولز، ۱۳۹۰: ۶۸). البته عده‌ای معتقدند، معنای ریشه‌ای برابری، معنایی سلبی است، به این مفهوم که هدف برابری خواهی، حذف همه تفاوت‌ها نبوده، بلکه حذف مجموعه خاصی از تفاوت‌ها، از جمله امتیازات اشرافی خواهی، ثروت سرمایه‌داران و تبعیض نژادی یا جنسی است (والزر، ۱۳۸۹: ۱۶).

بنابراین در اهمیت برابری می‌توان ادعا کرد در تمام نظریه‌های عدالت اجتماعی که در دهه‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته، بر برابری در یک موضوع، که در آن نظریه مهم تلقی می‌شده، تأکید شده است (سن، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

۲ تبعیض ناروا

تبعیض در لغت به معنای «جزء جزء کردن، جدا کردن برخی را از برخی دیگر، برخی را قبول و برخی را رد کردن، بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح دادن» (فرهنگ عمید، ۱۳۷۸) و «تقسیم و جدا کردن بعضی از بعضی دیگر، بین دو یا چند کس مساوی یکی یا بعضی را امتیاز دادن و رجحان بعضی بر بعضی بدون مرجح» (فرهنگ معین، ۱۳۸۴) است.

بنابراین می‌توان گفت تبعیض به مفهوم نقض اصل برابری افراد، اعم از برابری رسمی، برابری فرصت و یا برابری نتیجه با توسل بر تمایزات و تفاوت‌های مبتنی بر نژاد، رنگ، زبان، نسب، منشأ ملی، قومی، دین، جنس، عقیده سیاسی، وضع اجتماعی، شرایط اقتصادی و تولد است. به طوری که به شکل‌گیری و پیشرفت گروه‌های خاصی منجر شود که از حمایت‌های قانونی بهره‌مند بوده و با رفتارها و اعمال تبعیض‌آمیز بتوانند از امکانات، فرصت‌ها، امتیازات و مزایای خاصی برخوردار باشند، بدون اینکه دیگران از این امکانات، فرصت‌ها و امتیازات بهره‌مند شوند.

۳ مفهوم تبعیض روا

تبعیض روا یا تبعیض مثبت^۱ فرایند اعمال تبعیض، به وسیله تصویب قوانین یا اجرای سیاست‌هایی در راستای توزیع منافع اجتماعی، امتیازات و فرصت‌ها بدون لحاظ نیازها، استحقاق‌ها و علایق فردی، بلکه فقط با لحاظ ملاک‌های نامتعارف از قبیل نژاد، جنس، مذهب، زبان، قومیت و ... است، به عبارت دیگر تبعیض روا به مفهوم توزیع موارد مذکور بر مبنای نژاد، جنس، مذهب، زبان، قومیت و ... است (Edwards, 1987: 1). گفتنی است تبعیض روا نوعی تبعیض‌زدایی از طریق تبعیض است. از این رو تعریف‌هایی از تبعیض روا ارائه شده است؛ از جمله تبعیض روا، عبارت است از تفاوت حقوقی موقت در رفتار که قانونگذار آن را به نفع گروهی از اشخاص، برای از میان برداشتن نابرابری‌های گذشته تجویز می‌کند.^۲

اما سؤالی که می‌توان مطرح کرد این است که علت به وجود آمدن وضعیت نامطلوب برای یک گروه، طبقه، اقلیت یا زنان چیست و چرا یک گروه خاص، نسبت به کل جامعه از وضعیت نامتعارفی برخوردارند، به عبارت دیگر علت نابرابری‌های گروهی چیست؟

1. Positive Discrimination

۲. لویی فارو، حقوق‌دان فرانسوی و نویسندگان کتاب *حقوق آزادی‌های بنیادین* تعریف مشابهی را ارائه داده‌اند. بر این اساس تبعیض مثبت عبارت است از: «تمایزگذاری موقت حقوقی در رفتار با هدف مساعدت به گروه معینی از اشخاص حقوقی یا حقیقی، به زبان گروهی دیگر و در راستای از میان برداشتن نابرابری عملی موجود بین آنها» (گرچی از ندریانی، ۱۳۸۸: ۹۸-۹۵).

عده‌ای از محققان معتقدند بنیان‌های مهم نابرابری‌ها تفاوت‌های فردی، توانایی‌های ذاتی، انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی است. در مقابل، عده‌ای دیگر از تحلیلگران معتقدند نابرابری مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد بین آنها قائل می‌شود. علت این تفاوت مشخصه‌هایی همچون طبقه اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده‌اند.

بنابراین برای شناسایی، برقراری و اجرای تبعیض روا، تاریخ هر کشور یکی از عوامل مهمی است که می‌توان به آن توجه کامل کرد. چرا که در فرایند شکل‌گیری تاریخ سیاسی و اجتماعی است که تطور و چگونگی گروه‌ها، نژادها، اقلیت‌ها و جنسیت قابل بررسی و مطالعه است. به بیان دیگر، شاید بتوان گفت حرکت معکوس در زمان است به ما کمک می‌کند تا مفهوم اصلی تبعیض روا را بفهمیم و برای اجرای آن قدم برداریم (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

۴ مفهوم اقدام مثبت

اقدام مثبت به معنای اعمال اجرایی دولت (شامل انتخاب ترجیحی، انتخاب براساس نژاد، جنسیت، قومیت، زبان و ...) برای افزایش حضور زنان، اقلیت‌های نژادی، گروهی، زبانی و ... در زمینه‌های اشتغال، آموزش و پرورش و کسب‌وکار که به‌طور تاریخی از آن محروم شده‌اند، است. اما تبعیض روا در قالب ساختارها، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های قانونی قابل تبیین است. در تبعیض روا، دولت‌ها با اقدامات قانونگذاری و به رسمیت شناختن ساختارهای حقوقی خاص، به ارتقای وضعیت گروه‌های آسیب‌پذیر کمک می‌کنند که این امر مستلزم برداشتن گام‌ها و تلاش‌هایی از طرف این گروه‌ها نیز است.

به‌طور مثال در تبعیض روا در آموزش، باید عضو گروه عقب‌مانده جامعه، در آزمون ورودی شرکت کند و در رقابت وی با دیگران، دولت مداخله و امتیاز خاصی برای این فرد منظور کند؛ درحالی‌که در اقدام مثبت، دولت گام‌های عملی اجرایی را برمی‌دارد و خود به سراغ این گروه‌ها می‌رود. به بیان دیگر، در تبعیض روا، دولت‌ها قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز

گذشته را لغو کرده و با اعمال اصل برابری فرصت‌ها، این امکان را برای گروه‌های عقب‌مانده فراهم می‌کنند تا بتوانند با دیگران رقابت کنند؛ اما در اقدام مثبت، دولت، علاوه بر اقدام مذکور برای خارج کردن این گروه‌ها از وضعیت غیرمطلوب و گاه غیرقابل تحمل، در رقابت با دیگران امتیازات خاصی را برای این گروه‌ها در نظر می‌گیرد (Anderson, 2002: 1196).

۵ اصول تبعیض روا

۵-۱ اصل تبعیض و محرومیت تاریخی

این اصل که مبنای تبعیض مثبت در ایالات متحده آمریکا و اقدامات ترجیحی انجام شده توسط این دولت از سال ۱۹۴۵ به بعد است، درحقیقت ریشه در گذشته کشور آمریکا دارد، گذشته‌ای که در آن اقلیت سیاه‌پوستان، تحت تبعیض بوده و حق دسترسی به هیچ‌یک از مناصب و پست‌های سیاسی، اداری و اجرایی را نداشتند (Anderson, 2004: 1). البته در هند نیز به دلیل قدمت نظام کاستی یا طبقه‌ای و آثار ناشی از آن، دولت تلاش‌های زیادی را برای ارتقای وضعیت گروه‌های محروم اجتماعی با عنوان نجس‌ها یا دالیت‌ها کرده است (Sowell, 2004: 25).

۵-۲ اصل تعادل قومی

این اصل در مالزی پایه‌گذاری شده است. دولت این کشور به دلیل داشتن تنوع و درگیری‌های قومیتی، برای برقراری و ایجاد تعادل قومی، اقدامات ترجیحی را انجام داد. سهمیه‌های آموزشی را به تناسب درصد جمعیتی برقرار کرده است (Donald, 1980: 835).

۵-۳ اصل عدالت اجتماعی

اصطلاح عدالت اجتماعی در دو معنا به کار می‌رود. در یک معنا فقط «اجتماع» را در نظر می‌گیرد و در معنای دیگر آن می‌توان به بیکاری، بی‌پناهی و درماندگی در دوران بیماری، سالخوردگی، محرومیت از آموزش‌های حرفه‌ای و حتی فقر و گرسنگی اشاره کرد (هوفه، ۱۳۸۳: ۸۴). از این

معنا به عدالت توزیعی نیز یاد می‌شود، البته عده‌ای، عدالت اجتماعی را به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری یک جامعه یا دولت - ملت به کار می‌برند (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۹۲). ولی عده‌ای معتقدند چنانچه چیزی برای توزیع وجود نداشته باشد، عدالت اجتماعی چیزی بیش از یک قاعده رفتار انسانی نیست (Zwolinski, 2009: 371). نحوه توزیع امکانات، فرصت‌ها و مزایای جامعه دغدغه اصلی عدالت اجتماعی بوده است. به بیان دیگر توزیع ریاضی‌وار فرصت‌ها و امکانات، مورد قبول و پسند هیچ‌یک از اندیشمندان نیست. به عبارت دیگر وظیفه دولت، شناسایی اصل برابری بین انسان‌ها و نه رفتار برابر با آنهاست.

۶ اشکال اقدام مثبت

اقدام مثبت اغلب به دو صورت کلی اقدام مثبت ضعیف و اقدام مثبت قوی طبقه‌بندی می‌شود.

۶-۱ اقدام مثبت ضعیف

اقدام مثبت ضعیف عبارت است از به کارگیری اقداماتی برای محو سیاست‌های مبتنی بر تبعیض و تبلیغات دامنه‌دار برای گروه‌هایی که قبلاً در موقعیت‌های ممتاز نبوده‌اند (مانند تمام فقرا)، استفاده از نمایندگی مقید، یا تاریخ تبعیض گذشته به‌عنوان یک امتیاز وقتی کاندیداها به‌طور نسبی برابرند. این نوع نگرش بر برابری فرصت‌ها تأکید دارد (Beckwith and Jones, 1997: 11).

۶-۲ اقدام مثبت قوی

شامل اقدامات مثبت برای حذف بی‌عدالتی‌های گذشته از طریق تبعیض معکوس، پذیرش کاندیدا بر مبنای نژاد یا جنسیت برای رسیدن به نتیجه برابر یا نزدیک به برابر و نمایندگی مناسب در هر قسمتی از جامعه است.

این روش با استفاده از برنامه‌های آغاز و پایان اهداف، یا معیارهایی به‌عنوان سهمیه بر نتیجه برابر تأکید دارد. این روش به‌جای رویه منصفانه، بر نتیجه برابر یا منصفانه تأکید می‌کند. طرفداران این روش برای تبیین دیدگاه‌ها و نظرهای خود به انصاف و آنچه

منصفانه است استناد می‌کنند. برای آنها بیشتر از الزامات و شرایط حداقلی توزیع فرصت‌ها، امکانات و منابع؛ نتیجه منصفانه اهمیت دارد (12: Ibid.).

۷ روش‌ها و مصادیق تبعیض روا

مهم‌ترین روش‌هایی که در سازوکارهای تبعیض مثبت به کار رفته‌اند عبارت‌اند از:

۱. روش ذخیره: ^۱ تعلق تعداد خاصی از موقعیت‌ها یا کرسی‌ها به‌طور انحصاری به برخی از اقلیت‌ها،
۲. روش سهمیه‌بندی: ^۲ تعلق تعدادی از موقعیت‌ها و فرصت‌ها براساس یک نسبت به کل (درصد)،
۳. روش رقابت خاص: ^۳ ایجاد حوزه‌های متفاوت رقابتی برای اعضای یک گروه خاص به صورتی که کمبود و ضعف اولیه آنها را جبران کند،
۴. معافیت: ^۴ معاف کردن گروه مورد نظر از برخی شرایط گزینش،
۵. تشویق و کمک در گزینش: کمک به شرکت بیشتر اعضای یک گروه برای رقابت در یک گزینش، بدون دادن ضمانتی درباره انتخاب شدن آنها،
۶. روش ترکیبی: استفاده از دو یا چند روش به‌طور هم‌زمان (فکوهی، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

۸ نظام آموزش عالی

«هدف از بهره‌مندی افراد از آموزش و پرورش در نظام بین‌المللی، ارتقای شخصیت انسان و ایجاد معرفت برای توسعه صلح و دوستی بین تمام ملل است» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۰۲).

همه شهروندان برای گذران زندگی فردی و رفع نیازمندی‌های اجتماعی به حداقل دانش نیاز دارند. از این رو براساس اصل (۳۰) قانون اساسی، دولت موظف به فراهم کردن وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه افراد جامعه تا پایان دوره متوسطه است. اما آموزش

1. Reservation

2. Quota

3. Limited or Special Competition

4. Exemption

عالی به لحاظ ارائه تحصیلات تخصصی و تکمیلی برای اشتغال افراد به مشاغل تخصصی یک نیاز عام و فراگیر نیست، ولی به دلیل اینکه داشتن تحصیلات عالی رابطه مستقیمی با شخصیت اجتماعی افراد و سطح زندگی آنها در جامعه دارد، از فرصت‌هایی است که شهروندان هر کشور سعی می‌کنند با استفاده از آن، موقعیت‌های مناسب را به دست آورده و سهمی از مناصب و موقعیت‌های اجتماعی را به خود اختصاص دهند. به همین دلیل آمار متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها روز به روز افزایش می‌یابد، به طوری که در ایران به رغم افزایش تعداد مؤسسات آموزش عالی از قبیل دانشگاه‌های دولتی، آزاد، غیرانتفاعی و ... و همچنین افزایش ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، هنوز تعداد قابل توجهی از داوطلبان موفق به راهیابی در دانشگاه نشده و راهی کشورهای دیگر می‌شوند. هرچند در حال حاضر این مهاجرت بیشتر در دوره تحصیلات تکمیلی است. بنابراین نحوه توزیع و تقسیم این فرصت اجتماعی از موضوعات اساسی و چالش‌برانگیز نظام آموزش عالی ایران است. فارغ از این نکته که راهیابی به دانشگاه‌های با تراز علمی بالا نیز از موضوعات مهم این روزهای جوامع دانشگاهی است. در کنار این موضوعات برقراری سهمیه‌ها نیز به حساسیت موضوع می‌افزاید، به طوری که در سال‌های اخیر با اعلام نتایج آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها اعتراضات گسترده‌ای به آن صورت می‌گیرد.

۹ آموزش عالی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

اصل (۳) قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل (۲)، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار بگیرد: ... ۳. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه ...». از مفهوم اصل مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت: اولاً، قانونگذار به وجود تبعیضات، نابرابری‌ها و نابرابری در استفاده از امکانات اقرار می‌کند. ثانیاً، برای رفع این نابرابری‌ها، سعی در اتخاذ نوعی سیاست مبتنی بر عدالت اجتماعی دارد. ثالثاً، با توجه به عبارت «رفع تبعیضات ناروا» در بند «۹» اصل (۳) می‌توان استنباط

کرد که «تبعیض روا» را به رسمیت شناخته است و رویکرد کاملاً مساعدی به نظریه تبعیض روا دارد، هرچند که از به کار بردن صریح این عبارت خودداری می‌کند. تصویب قوانین حمایتی، در نظر گرفتن سهمیه‌ها و امتیازات گوناگون در آزمون‌های ورودی، امور استخدامی و ... برای ایثارگران، جانبازان، معلولان و ... شاهدهی بر این ادعاست. بنابراین در به رسمیت شناختن تبعیض روا (اقدام مثبت) در نظام حقوقی ایران هیچ گونه تردیدی نیست.

۱۰ اصول تبعیض روا در نظام آموزش عالی ایران

همان‌گونه که قبلاً گفته شد مهم‌ترین اصول تبعیض روا در نظام‌های حقوقی دنیا عبارت‌اند از: اصل محرومیت تاریخی، اصل تعادل قومی و عدالت اجتماعی. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که در بعضی از کشورها برای جانبازان، معلولان جنگی، خانواده‌های شهدا و رزمندگان نیز تسهیلات و امکاناتی مانند سهمیه‌های ورود به دانشگاه پیش‌بینی شده است. به‌عنوان مثال در کشور کره، ایثارگران از کمک‌های آموزشی شامل کمک‌هزینه زندگی، شهریه تحصیلی و بورسیه برخوردارند همچنین ایثارگران ملی، همسران و فرزندان آنان از پرداخت هزینه ورودی و سایر هزینه‌ها در مقاطع تحصیلی دبیرستان و دانشگاه معاف‌اند. در کشور کرواسی ایثارگران به شرط دارا بودن شرایط علمی از حق تحصیل بدون کنکور در مدارس و دانشگاه‌ها برخوردار بوده و می‌توانند از بورسیه‌های دولتی استفاده کنند. ایثارگران کشورهایی مثل عراق، سوریه، ارمنستان، لیبی، چین و ... نیز با تفاوت‌های کمی از این امتیازات برخوردار هستند (www.tebyan.net/maincomponents).

در نظام حقوقی ایران نیز علاوه بر اقداماتی که در راستای بهره‌مندی نمایندگان محرومان از فرصت آموزش عالی به‌عمل آمده است، تسهیلاتی نیز برای رزمندگان جنگ، خانواده‌های شهدا، جانبازان و معلولان و خانواده‌های آنها پیش‌بینی شده که در ذیل به آن پرداخته خواهد شد. البته تلاش شده تا تسهیلات و اقدامات در چارچوب روش‌های مرسوم در سایر کشورها انجام شود، هرچند در کیفیت اجرای این روش‌ها تفاوت چشمگیری وجود دارد.

۱-۱۰ اصل محرومیت

ناتوانایی دولت در توزیع برابر امکانات آموزشی امری بدیهی و فارغ از هرگونه شک و تردید است، بنابراین تلاش برای رفع این نابرابری‌ها جزء وظایف دولت است، از این رو دولت با اتخاذ تدابیر اجرایی و از جمله در بخش آموزش، سعی در جبران این محرومیت آموزشی دارد. به همین دلیل ملاک اصلی برای برخورداری از این اقدامات، تعلق داشتن به گروه‌های محروم جامعه است، به گونه‌ای که افراد فارغ از هرگونه ویژگی نژادی، جنسیت، قوم، رنگ و ... می‌توانند از این اقدامات ترجیحی استفاده کنند. البته در مواقعی نیز دولت تلاش کرده است با تخصیص سهمیه‌هایی به بخش‌هایی از جامعه که بسیار محروم‌اند، به نوعی با اعمال تبعیض مثبت در تبعیض مثبت، جایگاه این گروه‌ها را ارتقا دهد، مانند اختصاص سهمیه‌های ورودی کنکور به دانش‌آموزان جاسک و ... (مصوبه جلسه شماره ۵۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی)^(۱). آنچه در این قسمت قابل توجه است فقدان راهکار یا اقدامات اجرایی شفاف و مشخص است، زیرا سهمیه‌های تعیین شده مقطعی، گذرا و بیشتر برای یک‌مرتبه هستند. بزرگ‌ترین ایرادی که به این روش می‌توان گرفت عدم ملاک‌هایی جهت تعیین و تشخیص گروه‌های محروم از گروه‌های عادی است و تنها معیار و ملاک ابراز شده، سکونت در مناطق محروم کشور است.

۱-۱۰-۲ اصل فداکاری (جبران)

شاید بتوان اصل فداکاری را این‌گونه تبیین کرد که در پاسخ به فداکاری‌ها، گذشت‌ها و ایثار افرادی که با حضور در جبهه‌های جنگ از هستی خود برای بقای کشور گذشتند و با بذل جان و یا اعضای خود و یا تحمل مرارت‌ها و سختی‌های اسارت تلاش برای سربلندی این کشور و جلوگیری از تسلط بیگانگان را داشتند، دولت نیز درصدد جبران این فداکاری برآمده و با پیش‌بینی امتیازات، تسهیلات و سهمیه‌هایی برای این قبیل افراد و خانواده‌های آنها در جبران خسارت وارده بر آنها را دارد که می‌توان به سهمیه‌های ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و یا استخدام و معافیت از مالیات و یا ... اشاره کرد. ولی ایراد مهم نظام حقوقی ایران،

فقدان یک سیاست شفاف و صریح در این بخش است. به طوری که با بررسی قوانین و مقررات موجود نمی‌توان ملاک مشخصی را درباره نحوه برخورداری این گروه‌ها از اقدامات ترجیحی و ... شناسایی کرد. بنابراین اگر اصل فداکاری را به عنوان یکی از ملاک‌های تبعیض روا تلقی کنیم، امتیازات و تسهیلات باید در راستای جبران تلاش‌ها و زحمات آنها باشد تا بتواند بقیه عمر خود را در راحتی و آسایش سپری کنند ولی بسیاری از قوانین در راستای بهره‌مندی خانواده‌های آنهاست. شاید بتوان گفت بسیاری از تسهیلات پیش‌بینی شده از دایره اقدامات ترجیحی و یا اقدام مثبت خارج و در زمره تبعیض قرار می‌گیرد.

بنابراین با جمع‌بندی موارد فوق می‌توان گفت ایران نیز همانند سایر کشورها، نه تنها سیاست تبعیض روا را به رسمیت شناخته، بلکه آن را نیز اجرایی کرده است. هرچند تلاش شده در برقراری تبعیض روا و اعمال اقدام مثبت از اصول تبعیض روا و روش‌های رایج در سایر کشورها الگو برداری شود، اما شاید بتوان گفت کیفیت اجرای آن تقریباً منحصر به فرد است.

۱۱ روش‌ها و مصادیق تبعیض روا در نظام آموزش عالی ایران

دستیابی به مدارج بالای علمی و ورود به دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانش‌آموزان ایرانی و اولیای آنان در چند دهه اخیر بوده است. هزینه سنگین آموزش در دانشگاه‌های آزاد و غیردولتی و همچنین دانشگاه‌های کشورهای خارجی از یک طرف و ظرفیت محدود دانشگاه‌های دولتی از طرف دیگر دلایلی هستند که باعث رقابت شدید دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه‌ها شده است. از این رو بهترین روش برای پذیرش دانشجو، برگزاری آزمون ورودی دانشگاه‌ها با عنوان کنکور بوده که چندین دهه است در کشور به روش‌های مختلف اجرا می‌شود.

در این روش به جای سنجش میزان اطلاعات دانش‌آموزان و قرار دادن سقف نمره و ...، دانش‌آموزان با یکدیگر به رقابت می‌پردازند، به طوری که هر کس نمره بهتری بگیرد، در عین حال که احتمال پذیرش خود در دانشگاه‌های بهتر را افزایش می‌دهد، به همان نسبت

مانع از ورود دانش آموز دیگری به دانشگاه می شود. بنابراین کنکور بحث اصلی خانواده های دانش آموزانی است که در سال های آخر دبیرستان قرار دارند. آثار منفی و مخرب روحی و روانی کنکور بارها و بارها مورد بحث اساتید، روان شناسان و جامعه شناسان قرار گرفته است. از طرف دیگر با توجه به تأسیس دانشگاه آزاد در سال های اولیه پیروزی انقلاب و توسعه و رشد کمی سریع آن در اقصی نقاط کشور و همچنین تأسیس دانشگاه پیام نور و ده ها مؤسسه و مجموعه با عنوان آموزش عالی باعث افزایش چشمگیر و مطلوب ظرفیت پذیرش دانشگاه ها شد، به طوری که به جرئت می توان گفت ظرفیت پذیرش دانشگاه ها با متقاضیان آموزش عالی برابری می کند (هرچند جذابیت دانشگاه های با تراز علمی بالا همچنان و سوسه انگیز بوده و از شدت تقاضا در این دانشگاه ها چیزی کم نشده است). این موضوع باعث شد تا مجلس شورای اسلامی قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی را در مورخ ۱۳۸۶/۸/۹ تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ کند. این قانون که به قانون حذف کنکور مشهور شد، سوابق تحصیلی را جایگزین کنکور کرده و در ماده (۲) آن آمده که از سال تصویب قانون به تدریج تأثیر سوابق تحصیلی در هر سال نسبت به سال قبل افزایش یافته به نحوی که حداکثر تا پایان سال اول برنامه پنج ساله اول برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آزمون های سراسری ورودی دانشگاه ها و مرکز آموزش عالی، در مقاطع کاردانی (پیوسته و ناپیوسته)، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری حرفه ای و دکتری پیوسته به طور کامل حذف شود.

البته با توجه به سبک نظام آموزشی در مقطع دبیرستان و رقابت برای ورود به دانشگاه های برتر امکان اجرای قانون مذکور در حاله ای از ابهام قرار دارد. به طوری که عملاً باید از تابستان سال ۱۳۹۱ اجرایی می شد. اما تاکنون این اتفاق نیافتاده و حتی در سال های اخیر صحبت از لغو قانون مذکور به میان آمده است.

به نظر می رسد اجرای این قانون بنا به دلایل ذیل منجر به افزایش تبعیض بین دانش آموزان، به خصوص دانش آموزان مناطق محروم و مناطق برخوردار و مرفه می شود و

درحقیقت تلاشی است در خلاف جهت تبعیض روا که به دنبال رفع آثار تبعیض در سال‌های گذشته است.

۱. به استناد ماده (۵) قانون مذکور امتیازات و سهمیه‌ها از قبیل سهمیه مناطق، رزمندگان، شاهد، خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان که تاکنون به تصویب مراجع ذی‌ربط رسیده یا می‌رسد، کماکان به قوت خود باقی است و در شیوه پذیرش دانشجو براساس این قانون نیز اعمال می‌شود.

۲. به استناد مواد (۱ و ۴) قانون حذف کنکور سوابق تحصیلی دانش‌آموزان جانشین آزمون سراسری شده و ملاک پذیرش دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد. به بیان دیگر به جای برگزاری آزمون سراسری، امتحانات نهایی کشوری با سؤالات یکسان و هم‌زمان در سراسر کشور در سال‌های پایانی مقطع متوسطه توسط آموزش و پرورش برگزار و با لحاظ سوابق تحصیلی و سوابق پرورشی و مهارتی رتبه دانش‌آموز تعیین و در دانشگاه پذیرش می‌شود. بزرگ‌ترین چالشی که این قانون را تهدید می‌کند و در عمل به افزایش تبعیض بین دانش‌آموزان منجر می‌شود، وجود مدارس غیرانتفاعی، تیزهوشان، نمونه دولتی و ... است که با اخذ هزینه‌های کلان از دانش‌آموزان و برگزاری دوره‌های مختلف، عملاً به نتیجه بهتر در امتحانات نهایی منجر می‌شود و امکان رقابت دانش‌آموزان مناطق محروم با آنها را غیرممکن می‌کند. در صورتی که با برگزاری آزمون سراسری، دانش‌آموزان مناطق محروم می‌توانند با مطالعه بیشتر منابع آزمون، فقدان فضای آموزشی خوب، معلمان توانمند و ... را جبران کنند. درحالی که اجرای قانون حذف کنکور این فرصت را نیز از آنها سلب می‌کند. با توجه به اینکه قانون فوق هنوز اجرایی نشده و در صورت اجرای آن بحث سهمیه‌ها به قوت خود باقی است، اجرا یا عدم اجرای آن تغییری در مباحث این مقاله به وجود نمی‌آورد.

همان‌طور که قبلاً در قسمت هفتم توضیح داده شد، مهم‌ترین روش‌های اعمال تبعیض روا (اقدام مثبت) عبارت‌اند از: ۱. روش ذخیره، ۲. روش سهمیه‌بندی، ۳. روش رقابت خاص، ۴. معافیت، ۵. تشویق و کمک در گزینش و ۶. روش ترکیبی. در نظام آموزش عالی ایران، از تمام این روش‌ها استفاده می‌شود.

۱۱-۱ روش ذخیره

به معنای تخصیص تعداد خاصی از موقعیت‌ها یا فرصت‌ها به گروه یا گروه‌هایی از جامعه مانند زنان، اقلیت‌ها، معلولان، جانبازان و ... است. به طور مثال در قسمت اخیر اصل (۶۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار از تعداد کل کرسی‌های مجلس تعداد پنج کرسی را به اقلیت‌های دینی اختصاص داده است.^(۲) در نظام آموزش عالی نیز، مصوباتی درباره تعلق ظرفیت خاصی، برای ساکنان مناطق محروم به تصویب رسیده است.

۱. اختصاص سهمیه‌ای به میزان، بیست نفر در رشته پزشکی، شش نفر در رشته دندان‌پزشکی و دو نفر در رشته داروسازی برای داوطلبان شهرستان جاسک برای مدت دو سال (۱۳۸۷-۱۳۸۶).^(۳)

۲. اختصاص سهمیه‌ای به میزان، بیست نفر برای شهرستان بم، بیست نفر برای شهرستان زرنند و پنجاه نفر برای شهرستان‌های دورود و بروجن برای آزمون ورودی دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۸۵.^(۴)

۳. پذیرش هر ساله، تعداد پانصد نفر از متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از مناطق محروم کشور بدون شرکت در کنکور دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.^(۵)

از مهم‌ترین انتقادهای وارده بر سازوکار تبعیض مثبت، به تأثیرگذاری این اقدامات در عمل برمی‌گردد. به عبارت دیگر منتقدان تبعیض مثبت معتقدند، تبعیض مثبت در عمل به سود بالاترین قشر از گروه‌های گفته شده تمام می‌شود، گروه‌هایی که بیشترین آمادگی و شانس لازم برای خروج از این وضعیت را دارند، در نتیجه خواسته اصلی دولت که همانا کمک به محروم‌ترین‌ها برای خروج از محرومیت است، تحقق نمی‌یابد و چنانچه دولت فقط به اعمال تبعیض مثبت صرف بپردازد، قطعاً رقابت از سطح عمومی به درون گروه‌ها منتقل خواهد شد و نصیب کسانی خواهد شد که بیشترین و بهترین آمادگی را در بین گروه‌های هدف دارند. برای جلوگیری از بروز چنین نتایجی معمولاً دولت‌ها از روش اقدام مثبت درون اقدام مثبت استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر دولت‌ها سعی می‌کنند با اعمال سازوکارهایی سراغ محروم‌ترین‌ها در میان محرومان رفته و آنها را از وضعیت محروم خارج کند.

۱۱-۲ روش سهمیه‌بندی

روش سهمیه‌بندی، مشابه روش ذخیره است با این تفاوت که در روش ذخیره، تعداد مشخصی از ظرفیت‌ها و موقعیت‌ها به گروه اقلیتی تخصیص می‌یابد، درحالی‌که در روش سهمیه‌بندی تعداد جایگاه‌ها براساس یک نسبت از کل (درصد) تعیین می‌شود. به‌طور مثال ۱۵ درصد از کرسی‌های مجالس محلی در هند، به نجس‌ها (دالیت‌ها) تعلق می‌گیرد. در نظام آموزش عالی روش سهمیه‌بندی از مهمترین روش‌های اتخاذ شده برای اعمال تبعیض مثبت برای گروه‌های هدف است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۱۱-۲-۱ سهمیه شاهد

به‌موجب مصوبه مورخ ۱۳۶۵/۱۱/۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی، این سهمیه به‌صورت ۵ درصد اضافه بر ظرفیت کل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، برای تسهیل ورود فرزندان شهدا، اسرا، مفقودین و همچنین جانبازان بالای ۷۰ درصد و فرزندان جانبازان ۵۰ درصد و بالاتر و فرزندان آزادگان در مراکز آموزش عالی در نظر گرفته شده است. این سهمیه فقط در آزمون سراسری اعمال می‌شود، استفاده‌کنندگان از این سهمیه برای قبولی در رشته مورد تقاضا باید حداقل ۷۵ درصد نمره آخرین فرد پذیرفته شده بدون سهمیه را، در رشته محل مورد نظر کسب کرده باشند. به‌عبارت‌دیگر فرزندان گروه‌های مذکور، به شرط کسب ۷۵ درصد نمره آخرین فرد پذیرفته شده می‌توانند در دانشگاه پذیرفته شوند.

۱۱-۲-۲ سهمیه رزمندگان

به استناد قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۳۰ مجلس شورای اسلامی^(۶) ۴۰ درصد از ظرفیت دانشگاه‌ها در آزمون سراسری شامل کاردانی پیوسته، جامع علمی - کاربردی و کاردانی به کارشناسی و ۲۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع کارشناسی ارشد و بالاتر به واجدان شرایط اختصاص می‌یابد. کسب حداقل ۷۵ درصد نمره آخرین فرد پذیرفته شده در آزمون سراسری و کاردانی

پیوسته و کسب ۸۰ درصد در آزمون‌های تحصیلات تکمیلی برای استفاده کنندگان از این سهمیه الزامی است. مشمولان این سهمیه عبارت‌اند از: دارندگان سهمیه شاهد، آزادگان و همسران آنها، جانبازان ۲۵ تا ۶۹ درصد و همسران جانبازان ۵۰ درصد و بالاتر.

۱۱-۲-۳ سهمیه خانواده شهدا

براساس مصوبه مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۲ و مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، علاوه بر همسران شاهد، منسوبان درجه اول شهدا شامل برادران، خواهران و والدین شهدا می‌توانند از این سهمیه بهره‌مند شوند. میزان ظرفیت این سهمیه ثابت نبوده و هر ساله به نسبت تعداد داوطلبان خانواده شهدا، به کل داوطلبان در هر کد رشته، ظرفیت خاصی را به خود اختصاص می‌دهد. حدنصاب لازم در این سهمیه ۸۵ درصد نمره آخرین فرد قبولی بدون سهمیه در هر رشته محل است. این سهمیه، فقط در آزمون سراسری اعمال می‌شود، اما در آزمون‌های کاردانی پیوسته و جامع علمی - کاربردی نیز خواهران، برادران و والدین شهدا می‌توانند از سهمیه ایثارگران (رزمندگان) استفاده کنند.

۱۱-۲-۴ مناطق محروم

۱۰ درصد سهمیه مازاد بر ظرفیت در رشته‌های دستیاری پزشکی در رشته‌های مورد نیاز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به مناطق محروم و به داوطلبان بومی اختصاص می‌یابد.^(۷)

۱۱-۳ روش رقابت خاص (سهمیه مناطق)

این روش به معنای ایجاد حوزه‌های متفاوت رقابتی برای اعضای یک گروه است. به این معنا که گروه‌های مختلف، با توجه به امکانات و توانایی‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به مسابقات ورزشی در بین معلولان اشاره کرد که به تناسب میزان معلولیت و توانایی‌ها به کلاس‌های مختلف تقسیم و با یکدیگر رقابت می‌کنند. این روش در نظام آموزش عالی ایران مورد توجه قرار گرفته است و شاید به جرئت بتوان گفت،

یکی از مصادیق بارز اقدام مثبت در حقوق داخلی تخصیص سهمیه برای گروه‌هایی از اجتماع است که در مناطق محروم کشور زندگی می‌کنند. با توجه به تصریح گفته شده در قوانین جاری کشور، از جمله در قانون اساسی مبنی بر برابری آحاد افراد کشور در مقابل قانون، می‌توان گفت برابری دو جلوه مختلف دارد، ۱. رعایت شخصیت و کرامت ذاتی انسان‌ها که نباید در بین شهروندان قائل به تبعیض بود و در برخورداری از حقوق ذاتی و اساسی همه با هم برابری و به یک میزان از حقوق برخوردارند، مانند حق رأی و یا حق تعیین سرنوشت. ۲. تکلیف دولت در راستای اتخاذ تصمیمات و اعمال اقداماتی که این برابری را حفظ کند. به عبارت دیگر کاندیدا شدن در انتخابات‌های مختلف مانند شوراهای مجلس و ریاست جمهوری حق تک‌تک شهروندان جامعه است و از طرف دیگر چون داشتن مدارک عالی دانشگاهی لازمه رسیدن به مناصب و موقعیت‌های اجتماعی از جمله کاندیدا شدن است از این رو دولت باید تلاش کند با تقسیم و توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها، زمینه‌های لازم برای ورود به دانشگاه‌ها و دسترسی به موقعیت‌ها را فراهم کند.

دلایل مختلف امکان توزیع عادلانه فراهم نیست، از این رو باید تلاش کند با پیش‌بینی سازوکارهایی، بی‌عدالتی‌ها را جبران کند. به تعبیر ارسطو چون این افراد در شرایط نابرابر هستند، باید رفتار نابرابری با آنها شود. هرچند تعریف واژه «مناطق محروم» کار دشواری است، ولی برای سنجش میزان محرومیت، شاخصه‌های زیادی از جمله امکانات رفاهی، راه، برق، دسترسی به شبکه بهداشت و امکانات آموزشی و ... دخالت دارد. به عبارت دیگر با اینکه دولت توانایی و امکان توزیع متناسب امکانات رفاهی را در سراسر کشور به صورت یکسان ندارد، اما برای جبران قصور خود از روش‌های متفاوتی مانند تقسیم‌بندی کشور به مناطق مختلف برای متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی استفاده می‌کند که در جای خود می‌تواند بخشی از محرومیت‌ها را نه برای همه اهالی، بلکه برای گروه‌هایی از نمایندگان آنان (متقاضیان تحصیلات عالی) جبران کند. ذکر این نکته ضروری است که محرومیت ناشی از عدم اقدام دولت مدنظر بوده و محرومیت‌های ناشی

از سستی، تنبلی و بی‌تدبیری مشمول این تعریف نمی‌شود.

در این روش برای رعایت عدالت آموزشی میان مناطق مرفه و برخوردار با مناطق محروم، کشور به سه منطقه برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم تقسیم شده است که به آنها مناطق یک و دو و سه اطلاق می‌شود. شهرهای بزرگ تهران، شیراز، اصفهان، مشهد و ... جزء منطقه یک، شهرهای قزوین، قم، اراک و ... جزء منطقه دو و سایر شهرها جزء منطقه سوم هستند. البته میزان سهمیه‌ها هر ساله دچار تغییراتی می‌شود و با توجه به تناسب شرکت‌کنندگان، سهمیه هر منطقه برآورد می‌شود. شیوه تعیین سهمیه هر منطقه، به این صورت است که در هر رشته، تعداد شرکت‌کنندگان هر منطقه، به تعداد کل شرکت‌کنندگان، مبین سهمیه آن منطقه است. به‌طور مثال از هزار نفر شرکت‌کننده در گروه ریاضی، چنانچه ۳۱۰ نفر از منطقه یک، ۴۵۰ نفر از منطقه دو و ۲۴۰ نفر از منطقه سه باشند، سهمیه منطقه یک ۳۱ درصد، منطقه دو ۴۵ درصد و منطقه سه ۲۴ درصد است. اگر کل ظرفیت رشته ریاضی صد نفر باشد، ۳۱ نفر از منطقه یک، ۴۵ نفر از منطقه دو و ۲۴ نفر از منطقه سه به‌عنوان پذیرفته شده نهایی انتخاب می‌شوند.

به‌عبارت‌دیگر در این شیوه دانش‌آموزانی که از امکانات آموزشی برابری برخوردارند با یکدیگر رقابت خواهند کرد. البته ملاک تعیین منطقه کنکور به سه سال آخر محل تحصیل برمی‌گردد. یعنی اگر دانش‌آموز سال دوم و سوم در شهر مشهد، استان خراسان رضوی (منطقه یک) درس خوانده باشد و برای سال چهارم به اسلامشهر که در تهران و جزء منطقه سه است، مهاجرت کند، ملاک عمل همان منطقه یک است. بنابراین با توجه به اینکه قاعده اعمال سهمیه، خلاف اصل برابری است دولت تلاش دارد که از این اقدام به نحو محدودی استفاده و از سوءاستفاده‌های احتمالی نیز جلوگیری کند.

۴-۱۱ روش ترکیبی

روش ترکیبی روشی است که از دو یا چند روش از روش‌های مذکور به‌طور هم‌زمان برای یک گروه هدف مورد استفاده قرار گیرد. در نظام آموزش عالی ایران از دو روش

سهمیه‌بندی، تشویق و کمک در گزینش، درباره رزمندگان و جهادگران استفاده می‌شود. ماده (۱) قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۳۰ مصوب مجلس شورای اسلامی؛ برگزاری کلاس‌های تقویتی برای رزمندگان و جهادگران داوطلب بسیجی با شرایط خاصی را پیش‌بینی کرده است. شاید بتوان گفت، بهترین شیوه برای اعمال هرگونه اقدامات ترجیحی نسبت به ایثارگران، برای جبران زحمات، تلاش‌ها و فداکاری‌های این گروه، تشکیل کلاس‌های تقویتی برای آماده کردن آنها جهت ورود به دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی باشد، چرا که اولاً، این گروه مثل سایر گروه‌ها در یک رقابت برابر و آزاد با دیگران شرکت می‌کنند. ثانیاً، افراد به تناسب توانایی‌های علمی وارد دانشگاه می‌شوند. ثالثاً، شایسته‌سالاری و استفاده از نخبگان تحقق یافته و مانع از به هدر رفتن توانایی‌های عملی شایستگان می‌شود. رابعاً، از تبعات آتی استفاده از سهمیه‌ها نیز جلوگیری می‌شود. خامساً، با توجه به اینکه هر دو گروه در سر یک کلاس هستند و مطالب نیز برای همگان یکسان است و اساتید نیز، در برخورد با دانشجویان رفتار ترجیحی ندارند، بنابراین باعث افت کلی سطح نظام آموزشی می‌شود. چنانچه قانونگذار فقط به برگزاری کلاس‌های تقویتی بسنده می‌کرد، به‌طور قطع نتایج بسیار بهتری را در پی داشت، ولی قانونگذار درباره ایثارگران از هر دو شیوه استفاده کرده است. به بیان دیگر برای رزمندگان و ایثارگران هم امکانات لازم برای تشکیل کلاس‌های تقویتی را پیش‌بینی کرده و هم سهمیه خاصی را برای ورود به آزمون‌های سراسری در نظر گرفته است.

۵-۱۱ روش ایجاد تسهیلات (تسهیلات انتقال و تغییر رشته فرزندان اعضای هیئت علمی)

از آنجاکه اعضای هیئت علمی امر مهم آموزش جوانان کشور را به عهده دارند، به‌منظور ایجاد فضای مناسب فکری برای آنان از سال‌های گذشته ترتیبی اتخاذ شد تا فرزندان آنها بتوانند پس از قبولی در آزمون دانشگاه در محل خدمت والدین خود مشغول به تحصیل شوند. در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب با توجه به استقلال دانشگاه‌ها، تمام مقررات آموزشی مانند انتقال توسط خود

دانشگاهها انجام می‌شد. پس از پیروزی انقلاب، انتقال و تغییر رشته فرزندان اعضای هیئت علمی پذیرفته شده در آزمون سراسری تا سال ۱۳۸۸، براساس بخش‌نامه‌های مصوب وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام می‌شد.

درباره ایجاد این تسهیلات گفته می‌شود: اولاً، این تسهیلات برای اعضای مؤثر در فرایند آموزشی در نظر گرفته شده است تا این افراد بتوانند با آسودگی در امر آموزش و پژوهش به وظایف علمی خود به نحو احسن عمل کنند. درحقیقت اعطای این تسهیلات زمینه‌ساز افزایش کیفیت آموزش عالی است که در درجه اول همه اقشار دانشجویی و در نهایت کل جامعه از منافع آن بهره‌مند خواهند شد.

ثانیاً، یکی دیگر از علل تصویب این بخش‌نامه جلوگیری از مهاجرت اساتید به کشورهای خارجی است، زیرا عده‌ای از اساتید دانشگاه‌ها در کشورهای خارجی تحصیل کرده و اغلب این امکان را دارند که فرزند خود را برای تحصیل به خارج از کشور اعزام و خود نیز به خارج مهاجرت کنند. با توجه به امکانات موجود، این مصوبه می‌تواند تا اندازه‌ای جلوی این مهاجرت را بگیرد.

فرزندان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با استفاده از مفاد بخش‌نامه شماره ۸۴۶۳/مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۳ وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌توانند از تسهیلاتی برای انتقال یا تغییر رشته استفاده کنند. انتقال فرزندان اعضای هیئت علمی هنگامی که داوطلب حدنصاب علمی برای محل مورد تقاضا را دارا باشد، امکان‌پذیر است. برخی شرایط انتقال اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها این است که انتقال از دانشگاه مبدأ به دانشگاه مقصد در همان رشته و همان مقطع (روزانه به روزانه، شبانه به شبانه، روزانه به شبانه و شبانه به پیام نور، روزانه و شبانه به غیرانتفاعی و روزانه و شبانه به نیمه‌حضوری) امکان‌پذیر است. همچنین انتقال از یک مرکز پیام نور به مرکز پیام نور دیگر، از یک مؤسسه غیرانتفاعی به مؤسسه غیرانتفاعی دیگر و از یک دوره نیمه‌حضوری به دوره نیمه‌حضوری دیگر بلامانع است. اگر فرزند هیئت علمی دارای حدنصاب لازم برای انتقال نباشد؛ دانشگاه مقصد که لزوماً باید در شهر محل

خدمت والدین باشد، می‌تواند وی را به صورت انتقال موقت (میهمان) بپذیرد. انتقال موقت به انتقال دائم؛ مشروط به احراز وضعیت علمی مناسب طی حداقل دو ترم اول تحصیلی به تشخیص دانشگاه مقصد است. داوطلب به محلی که نزدیک‌ترین فاصله علمی را دارد انتقال مشروط پیدا می‌کند، مگر اینکه موافقت دانشگاه مورد نظر خود را اخذ کند. در دوره انتقال مشروط، دانشجوی در دانشگاه مقصد واحد می‌گیرد و لزومی ندارد از دانشگاه مبدأ فرم میهمان اخذ کند.

همچنین برای انتقال فرزندان اعضای هیئت علمی به مؤسساتی که با شرایط خاصی دانشجوی می‌گیرد (مانند مؤسسات وابسته به سایر وزارتخانه‌ها) داشتن شرایط خاص مؤسسه مقصد ضروری است و تأیید شرایط مورد نظر با مؤسسه مقصد است.

براساس بخش‌نامه سال ۱۳۸۸ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتقال فرزندان اعضای هیئت علمی در یک شهر امکان‌پذیر نیست.

البته موضوع ایجاد تسهیلات برای فرزندان اعضای هیئت علمی با توجه به شکایت‌های به عمل آمده بارها در دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار گرفته است، مانند هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۶-۱۳۸۲/۱/۲۴ در مورد ابطال بخش‌نامه ایجاد تسهیلات برای فرزندان اعضای هیئت علمی اعلام کرده است: «نظر به اصل استحقاق اشخاص در استفاده از امکانات مادی و معنوی مشابه و یکسان در شرایط مساوی و اینکه اعطای هرگونه امتیاز به اشخاص بدون وجود علل و اسباب موجه و وجوه تمایز مطلوب منوط به حکم صریح قانونگذار است و اینکه رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همگان در تمام زمینه‌های مادی و معنوی به حکم بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است، انتقال فرزندان اساتید دانشگاه که در کنکور سراسری پذیرفته شده‌اند ... به لحاظ عدم اتکا به علل و جهات موجه خاص و قانونی از مصادیق تبعیض ناروا محسوب می‌شود و ... به استناد قسمت دوم ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود».

بخش‌نامه شماره ۸۴۶۳/مورخ ۱۳۸۸/۵/۱۳ وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز مورد شکایت و طی دادنامه شماره ۷۹۰-۱۳۸۸/۱۱/۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به دلیل اینکه مصوبه خارج از صلاحیت وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود ابطال شد. هرچند موضوع بخش نامه در مصوبه جلسه مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ هیئت وزیران تنفیذ شد، اما مصوبه هیئت وزیران نیز طی دادنامه شماره ۹۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و با این استدلال که از مصادیق تبعیض ناروا مصرح در بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشخیص داده شد، به استناد بند «۱» مواد (۴۲ و ۱۹) قانون دیوان عدالت اداری ابطال شد. بنابراین با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که تسهیلات انتقال و تغییر رشته فرزندان اعضای هیئت علمی از مصادیق بارز تبعیض ناروا مصرح در بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و نمی‌تواند از مصادیق تبعیض روا تلقی شود. زیرا تبعیض روا ناظر بر وجود تبعیضات ناروا در گذشته است که در مانحن فیه این شرط مصداق نداشته، بنابراین از موضوع مورد بحث خارج است.

۱۲ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تبعیض روا (تبعیض مثبت) راهکاری است که می‌تواند در قالب وضع قوانین مختلف در جامعه، تبعیض‌های ناشی از شرایط گوناگون را از بین ببرد و در چارچوبی قانونی، نوعی تبعیض موقت را نسبت به یک گروه در جامعه پیش‌بینی کند تا این گروه بتواند در جامعه به سطحی برابر با سایر گروه‌ها شانس دستیابی به حقوق اجتماعی را داشته باشد. در آموزش عالی نیز دولت باید از افرادی که به واسطه بودن در طبقه‌های محروم جامعه از آموزش کامل و یا مشاغل اجتماعی برخوردار نبوده‌اند، در رقابت با آنان که آموزش کاملی داشته و دارای موقعیت نامناسب به لحاظ تبعیض‌های اجتماعی نیستند، حمایت کند. هرچند انتقاداتی مانند، امکان ایجاد تنش میان گروه‌های مختلف جامعه، تقویت جماعت‌گرایی و قبیله‌گرایی، بازتولید فقر، مخالفت با شایسته‌سالاری، یادآوری سیاست تبعیض نژادی، نقض حق عموم مردم در استفاده از

شایستگان، به هدر دادن امکانات کشور و ... بر تبعیض روا مطرح می‌شود، اما با این حال توانسته است نقش مهمی در ارتقای سطح و جایگاه اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی و گروه‌های محروم جوامع مختلف مانند آمریکا، هند، مالزی و اکثر کشورهای اروپایی و آسیایی ایفا کند، به طوری که سیاست تبعیض روا باعث شکل‌گیری طبقه متوسطی از سیاه‌پوستان در جامعه آمریکا و حتی حضور تعدادی از آنها در سطوح بالای مدیریتی کشور شده است.

از طرف دیگر، از ویژگی‌های بسیار مهم تبعیض روا، موقتی بودن آن است و تا موقعی توجیه‌پذیر و قانونی جلوه می‌کند که از هدف اصلی خود که همان رفع نابرابری‌هاست عدول نکند. به بیان دیگر چون اجرای سیاست تبعیض روا همواره به نفع گروه‌های برخوردار و به زیان گروه‌های عادی است، باید در اجرای آن نهایت دقت به عمل آید تا خود تبدیل به سیاست تبعیض آمیز دیگری نشود، در غیر این صورت باید سیاست تبعیض روای دیگری را اجرا کرد تا آثار سیاست‌های قبلی را از بین برد.

در نظام آموزش عالی ایران نیز به صراحت بند «۹» اصل (۳) قانون اساسی تبعیض روا به رسمیت شناخته شده است. هر چند به طور مشخص به آن پرداخته نمی‌شود، اما در عمل، شاهد اقدامات ترجیحی درباره گروه‌های مختلف جامعه هستیم. در نظام حقوقی ایران نیز در مقام قانونگذاری و اجرا تقریباً از همان مبانی و شیوه‌های رایج در سایر کشورهای دنیا استفاده کرده است، اما کیفیت اجرا در نظام آموزش عالی ایران تفاوت چشمگیری با سایر کشورها دارد، به خصوص در برقراری سهمیه‌ها، درصدهای پیش‌بینی شده بسیار فراتر از سهمیه‌های رایج در کشورهای مشابه است. بنابراین با توجه به اینکه تعداد اعضای جامعه هدف در بعضی سهمیه‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است و پیشرفت و گسترش اینترنت و فضای مجازی در اکثر شهرها و حتی روستاهای کشور امکان استفاده از وسایل آموزشی برای همگان میسر نیست و در سیاست‌های اخیر دولت نیز بیشتر شهرها از شمول نقاط محروم خارج شده‌اند و همچنین اقدامات ویژه با عنوان تبعیض مثبت، صرفاً برای رفع بی‌عدالتی‌های گذشته طراحی و به اجرا گذاشته شده‌اند؛ بنابراین، چنین اقداماتی نباید به

تثبیت حقوق متمایز برای این گروه‌ها منجر شود و حتماً باید به شکل موقتی در سطح جامعه اعمال شود، در غیر این صورت سیاست تبعیض مثبت به ایجاد نابرابری در جامعه خواهد منجر شد. بنابراین پیشنهاد می‌شود برای جلوگیری از تثبیت امتیازات موقت برای تعداد خاصی، در میزان نظام سهمیه‌ها تجدیدنظر اساسی به عمل آید و تا حد امکان با افزایش حدنصاب حداقل امتیازات برای قبولی در آزمون‌های کنکور و ... اجرای آن را محدود کرد. همچنین با تجدیدنظر در تقسیم‌بندی کشور، به نقاط برخوردار، نیمه‌برخوردار و محروم حداقل تعداد مناطق را از سه منطقه به دو منطقه کاهش داد و سیاست‌های کلان دولت از اقدام مثبت قوی (دخالت در رقابت بین دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی) به سمت تبعیض روا (برقراری فرصت‌های برابر برای همگان) تغییر کند.

یادداشت‌ها

۱. مصوبه جلسه ۵۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. اصل (۶۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «... زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند...».
۳. مصوبه جلسه ۵۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. مصوبات جلسات ۷۰ مورخ ۱۳۶۵/۳/۶ و ۷۳ مورخ ۱۳۶۵/۳/۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. قانون مذکور در تاریخ‌های ۱۳۷۱/۹/۱۱ و ۱۳۷۳/۵/۹ از سوی مجلس شورای اسلامی اصلاح شد.
۶. بند «۳» ماده واحده قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی مصوب ۱۳۸۹/۱/۲۹ مجلس شورای اسلامی.
۷. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۱۰ مقرر می‌کند مسئله سهمیه‌بندی مناطق باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. بنابراین وزارت فرهنگ و آموزش عالی موظف می‌شود که پس از انجام بررسی‌های لازم، طرح خود را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند تا برای تبدیل مناطق سه‌گانه به دوگانه طرحی آماده و تصویب شود. ولی مجدداً شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۳۹ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۲ مصوبه مربوط به تبدیل سهمیه ورودی به دانشگاه‌ها از مناطق سه‌گانه به دوگانه را با توجه به فراهم نبودن شرایط اجرای آن لغو می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات قانون مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، تهران.
۲. استاینر، هیلل (۱۳۸۲). مفهوم عدالت، ترجمه محمد راسخ، مجله مجلس و پژوهش، سال ۱۰، ش ۳۸.
۳. آقابخشی، علی و مینو افشاری راد (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار.
۴. راولز، جان (۱۳۹۰). قانون مردمان، ترجمه جعفر محسنی، تهران، نشر ققنوس.
۵. _____ (۱۳۸۷). نظریه عدالت، ترجمه سیدمحمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۶. سن، آمارتیا (۱۳۹۰). اندیشه عدالت، ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون پور، تهران، نشر کندوکاو، کتاب روشن.
۷. سیدفاطمی، سیدمحمد قاری (۱۳۸۰). «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر (حق، تعهد، آزادی برابری و عدالت)»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۳-۳۴.
۸. غنی نژاد، موسی (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد، تهران، نشر مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه.
۹. فابری، سیسیل (۱۳۹۰). عدالت در جهان متحول، ترجمه رستم فلاح، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. فرهنگ عمید (۱۳۷۸). انتشارات امیرکبیر.
۱۱. فرهنگ معین (۱۳۸۴). انتشارات امیرکبیر.
۱۲. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). «سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی»، مجله پژوهش زنان، دوره سوم، ش ۲.
۱۳. فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۳). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، نشر گام نو و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸).
۱۵. قانون ایجاد تسهیلات برای ورود رزندگان و جهادگران داوطلب بسیجی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (۱۳۶۷) و اصلاحات بعدی.
۱۶. قانون جامع حمایت از معلولان (۱۳۸۳).
۱۷. کریون، متیو سی. آر (۱۳۸۷). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه محمد حبیبی مجنده، قم، سازمان انتشارات دانشگاه مفید.

۱۸. کنوانسیون مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات (۱۹۶۰).
 ۱۹. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی علیه زنان (۱۹۷۹).
 ۲۰. گرجی از ندریانی، علی اکبر (۱۳۸۸). در تکاپوی حقوق اساسی، تهران، انتشارات جنگل و جاودانه.
 ۲۱. گری، جان (۱۳۸۹). فلسفه سیاسی فون هابک، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، انتشارات طرح نو.
 ۲۲. مصوبات شورای عالی فرهنگی در تاریخ‌های ۱۳۶۳/۱۱/۲۳، ۱۳۶۳/۱۱/۳۰، ۱۳۶۴/۸/۱۴، ۱۳۶۴/۱۲/۱۳، ۱۳۶۵/۴/۳، ۱۳۶۵/۴/۱۰، ۱۳۶۵/۴/۱۱، ۱۳۶۵/۱۱/۲، ۱۳۶۵/۱۲/۱۴.
 ۲۳. میرموسوی، سیدعلی و سیدصادق حقیقت (۱۳۸۸). مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۲۴. نباتی، نگار (۱۳۸۹). حمایت از اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
 ۲۵. واعظی، احمد (۱۳۸۳). «عدالت اجتماعی و مسائل آن»، مجله قیاسات، ش ۳۳.
 ۲۶. _____ ۱۳۸۸. نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۲۷. الزمر، مایکل (۱۳۸۹). حوزه‌های عدالت (در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری)، ترجمه صالح نجفی، تهران، نشر ثالث.
 ۲۸. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۰). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج اول، اصول و مبانی کلی نظام، تهران، نشر دادگستر.
 ۲۹. _____ (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج دوم، تهران، نشر میزان.
 ۳۰. _____ (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان.
 ۳۱. هنسن، جوزف، رید ایولین و ماری آلیس واتزر (۱۳۸۶). آرایش مد و بهره‌کشی از زنان، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران، نشر گل‌آذین.
 ۳۲. هوفه، اتفرید (۱۳۸۳). درباره عدالت، ترجمه امیر طبری، تهران، نشر اختران.
 ۳۳. هیوود، اندرو (۱۳۸۳). مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر قومس.
34. Anderson, Elizabeths (2002). "Integration, Affirmative Action and Strict Seruting," NewYork University, Law Review, 77.
 35. Anderson, Terry h. (2004). *The Pursuit of Fairness, A History of Affirmative Action*, Oxford University Press, NewYork.
 36. Arnold, N. Scott (1998). *Affirmative Action and the Demands of Justice*, Social Philosophy and Policy, 15.

37. Beckwith, Francis J and Jones, Todd E (eds) (1997). *Affirmative Action Social Justice or Reverse Discrimination* Amherst, NewYork Prometheus.
38. Bergmann, Barbara (1996). *Indefense of Affirmative Action*, NewYork: Basic Book.
39. Daniel, C. Thompson (1973). *Private Black Colleges at the Crossroads* Westport, Connecticut: Greenwood Press.
40. Donald R. Snodgrass (1980). *Inequality and Economic Development in Malaysia* Kuala Lumpur, Oxford University Press.
41. Dworkin, Ronald (2000). *The Theory and Practice of Equality* Cambridge, Harvard University Press.
42. ____ (1982). *Taking Rights seriously*, Harvard law Review, Vol. 95, No. 3.
43. Edwards, John (1987). *Positive Discrimination*, Tavistock Publication, London and NewYork.
44. Sowell, Thomas (2004). *Affirmative Action Around the World*. Yale University Press New Haven and London.
45. Sterba, James P. (2003). *Affirmative Action and Racial Preference*. NewYork: Oxford University Press.
46. Sturm, Susan and Guinier, Lani (1996). *The Future of Affirmative Action, Reclaiming An Innovative Ideal*, California Law Review, 84.
47. Thomas, Sowell (1975). *Affirmative Action*, Washington, D.C: American Enterprise Institute.
48. Westen, Peter (1982). *Idea of Equality*, Harvard Law Review, Vol. 95, No. 3.
49. Zwolinski, Matt (2009). *Arguing about Political, Philosophy*, Routledge, NewYork.